

## دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای جدید صنعتی : بررسی موردی ( الوند - البرز )\*

M. Solaymani, Ph.D  
Tarbiat Moallem University – Tehran

### **Transformation in the Villages Located in the Vicinity of new Industrial Townships: A Case study (Alvand and Alborz)**

The construction of new industrial estate adjacent to existing towns and villages have resulted in unprecedented changes in many respects. Alvand industrial estate was established in the vicinity of Alvand village within the distance of 14km from Ghazvin in mid 1961. Alborz Locational pattern has awarded to it specific identity. This in turn has led to widespread changes in Alvand village.

The purpose of this paper is to investigate the basic characteristics of the industrial estate and more specifically its changes in other respects to analyze and explain the trend and breakthrough of its transformations within an analytical and historical framework.

In order to obtain the mentioned purposes the following questions need to be answered:

- 1- What have been the trends of changes and breakthrough of Alvand as well as its link to Alborz industrial estate since 1967?
- 2- What are the fundamental causes and factors related to the mechanism of Alvand's transformation taking into consideration its identity as well as its properties and problems.

This paper investigates that Alvand's transformation within three consecutive periods starting in 1967. This study acknowledges that Alborz's industrial estate has been the main cause of Alvand's transformations. This city has always served its dormitory functions up to 1982 while the prerequisites for healthy growth namely "opportunities", "culture", "Planning" and "management" no longer existed. Needless to say that its transformations were not effected by physical, historical and environmental potential. Jumping into city bracket in 1982 can be considered as a major breakthrough in the city life.

These two vital prerequisites for an appropriate urban growth i.e. "planning" and "urban management" were taken into consideration. Furthermore its function as a service entity was considered in its economic life as a second function within a rational framework.

The answer to the second question will reveal the fact that Alborz's formation with its present Identity is resulted from its post-regional causes and factors as well as the general conditions prevailing on new towns in the 1960's and 1970's. Last, this paper suggests that

\* - این مقاله استخراج شده از طرح پژوهشی است که با عنوان «تأثیرات شهر صنعتی البرز در تحولات روستای الوند» به سال ۱۳۷۴ - ۷۵ توسط این جانب محمد سلیمانی عضو هیات علمی گروه آموزش جغرافیا در معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم، اجرا شده است.

taking into account the past experiences pertaining to Alvand and Alborz, these critities as a new Urban-Industrial complex in Ghazvin need planning and organization.

### خلاصه

ایجاد شهرهای جدید صنعتی در مجاورت شهرها و روستاهای موجود، همواره دگرگونی‌هایی بی‌سابقه در عرصه‌های گوناگون زندگی این شهرها و روستاها پدید می‌آورد. شهر صنعتی البرز در اواسط دههٔ چهل در چهارده کیلومتری شرق شهر قزوین در حاشیهٔ روستای الوند ایجاد شده است. الگوی مکان‌گزینی البرز، ویژگی‌ها و هویت خاصی بدان بخشیده است و در نتیجه تحولات پر دامنه‌ای را در روستای الوند به وجود آورده است. هدف مقاله حاضر شناخت مشخصات پایه‌ای و تحولات شهر صنعتی البرز به منظور تحلیل و تبیین روند و چرایی دگرگونی‌ها و نقاط عطف تحولات الوند در چارچوب روش تاریخی - تحلیلی و دیدگاه روند‌پژوهی بوده است. برای دست‌یابی به این منظور تلاش شده تا به دو پرسش زیر پاسخ گفته شود:

۱) سیر دگرگونی‌ها و نقاط عطف تحولات الوند و پیوندهای آن با شهر صنعتی البرز طی

سال‌های ۱۳۴۶ تا کنون چگونه بوده است؟

۲) علل و عوامل بنیادی شکل دهنده به «ساز و کار» حاکم بر دگرگونی‌های الوند با ماهیت،

ویژگی‌ها و مشکلات کنونی‌اش چه بوده است؟

مقاله، دگرگونی‌های الوند را از سال ۱۳۴۶ تا کنون در سه دوره بررسی و تحلیل نموده و به این نتیجه رسیده است که شهر صنعتی البرز علت بنیادی تحولات الوند بوده و از آغاز تا کنون «نقش خوابگاهی» مهم‌ترین کارکرد آن بوده است. همچنین دگرگونی‌های الوند تا سال ۱۳۶۱ در شرایط نبود چهار پیش شرط اصلی رشد شهری سالم یعنی «فرصت»، «فرهنگ»، «برنامه‌ریزی» و «مدیریت شهری» روی داده و در هر حال متأثر از استعدادهای طبیعی، تاریخی و زیست محیطی آن نبوده است. شهر شدن الوند در سال ۱۳۶۱ نقطهٔ عطف مهمی در حیات آن بوده است، چرا که از یک سو، دو پیش شرط حیاتی رشد صحیح شهر یعنی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری بر دگرگونی‌های الوند حاکم و ناظر شده است و از سوی دیگر، نقش خدماتی الوند که تا آن زمان به صورت خود جوش شکل گرفته بود، در چارچوبی قانونمند به عنوان «نقش دوم»، در حیات اقتصادی الوند، ظاهر می‌گردد. در مورد سؤال دوم نیز نتیجه این بوده است که شکل‌گیری البرز با ماهیت کنونی‌اش عمدتاً معلول علل و عوامل فرا منطقه‌ای و نیز شرایط عامی بوده است که در دههٔ ۴۰ و ۵۰ بر فرهنگ نوسازسازی در ایران حاکم بوده است.

بالاخره، مقاله پیشنهاد نموده است که با عبرت از گذشته، البرز و الوند باید در چارچوب

«منطقهٔ شهری - صنعتی قزوین» به عنوان یک «مجتمع شهری - صنعتی جدید»، سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی و تجهیز شوند.

## مقدمه

تجارب کشورهای پیشرفته و در حال توسعه گویای آن است که تجمع واحدهای صنعتی در نزدیکی یا در حوزه نفوذ شهرها و مجتمع‌های زیستی موجود، همواره دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی و تغییرات کالبدی - فضایی و زیست محیطی، در مقیاس محلی و منطقه‌ای به دنبال داشته است. ماهیت، دامنه و چگونگی این دگرگونی‌ها از یک سو تابع ویژگی‌های محیطی و توان طبیعی و مقتضیات تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و نظام سیاسی حاکم بر کشور و منطقه است و از سوی دیگر به اهداف، اندازه، کارکرد و به ویژه الگوی مکان‌یابی مجتمع‌ها و شهرهای جدید در فضا، باز می‌گردد.

شهر صنعتی البرز از جمله نوشهرهای صنعتی ایران است که در اواسط دههٔ چهل در چهارچوب تقسیم کار با پایتخت و در راستای دو هدف کلی: یکی، تمرکززدایی صنعتی از تهران و دیگری "توسعه منطقه قزوین" به عنوان یک ناحیه حایل میان تهران و مناطق شمال و غرب کشور، در ۱۴ کیلومتری جنوب شرق قزوین و در ۱۳۰ کیلومتری غرب تهران، به عنوان یک "نوشهر صنعتی اقماری" در جوار روستای الوند، ایجاد شد.

هرچند در طرح جامع شهر قزوین در سال ۱۳۴۱ ایجاد یک مرکز صنعتی و مراکز مسکونی وابسته به آن با ظرفیت حدود ۸۰ هزار نفر در شرق قزوین پیشنهاد شده بود، لیکن فکر ایجاد شهر صنعتی البرز در سال ۱۳۴۵ قوت گرفت و در خرداد ۱۳۴۶ شرکت سهامی البرز با مشارکت چند وزارت خانهٔ دولتی و بخش خصوصی به وجود آمد و در همان سال شهر صنعتی با هزینهٔ حدود ۴۰ میلیون ریال در زمینی به وسعت ۱۱۶۵ هکتار و با دو بخش تولیدی - صنعتی و مسکونی و رفاهی تأسیس شد. مطالعات و شواهد موجود حاکی از آن است که ماهیت واحدهای تولیدی با گرایش شدید به صنایع مصرفی (بازار گرا)، حضور بخش خصوصی در مالکیت واحدهای تولیدی و مدیریت شهر صنعتی و نیز مکان‌یابی البرز در حوزه نفوذ روزانه شهر قزوین با الگوی نوشهرهای صنعتی اقماری، هریک تأثیری خاص در شکل‌گیری ویژگی‌ها و روند توسعه و تکوین البرز با هویت کنونی‌اش داشته‌اند. چنین شده است که با گذشت بیش از سه دهه از تأسیس البرز، این شهر هنوز ویژگی‌های یک شهر صنعتی متعارف را کسب نکرده است به طوری که در حال حاضر تنها

حدود  $\frac{1}{3}$  جمعیت شاغل خود را سکنا داده و سهم خدمات و تسهیلات پیش بینی شده برای آن اندک است و در حال حاضر بیشتر به عنوان یک "شهر - کار" شناخته می‌شود. این وضع البته در کمیت و کیفیت مناسبات میان البرز و شهرها و روستاهای منطقه، به ویژه فضاهای بلافصل آن تأثیرهای به سزا داشته است. صرف نظر از جنبه‌های مثبت و سازنده شهر صنعتی البرز، پیامدهای منفی حضور آن از سال ۴۸ تاکنون در شهر و منطقه قزوین به شکل‌های گوناگون بروز یافته که از

جمله می توان از گسترش شتابان شهر قزوین و روستای نزدیک به آن و نیز شکل گیری سکونتگاه های نامتعارف و پیدایش کانون های زیستی خودرو (خود انگیخته)، نام برد که الوند نمونه بارز آن است.

الوند در ۱۴ کیلومتری شرق شهر قزوین در میانه دشتی هموار و برخوردار از محیط طبیعی و شرایط اکولوژیکی مساعد، قرار دارد. تا پیش از ایجاد شهر صنعتی البرز در سال ۱۳۴۶، پایه اقتصادی آن همانند دیگر روستاهای این منطقه بر کشاورزی سنتی، دامپروری و به طور محدودی بر صنایع دستی استوار بوده است. جمعیت الوند با گذشته چند قرن، ۷۲۶ نفر و از لحاظ کالبدی عمدتاً در فضای یک قلعه تاریخی محصور بوده است. با شروع عملیات احداث و توسعه فعالیت های شهر صنعتی البرز، بین سال های ۱۳۴۶ تا ۱۳۷۵ دگرگونی هایی بی سابقه در آن پدید آمده است، به نحوی که جمعیت آن از ۷۲۶ نفر در سال ۱۳۴۵ به بیش از ۶۰ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته و در شرایط نبود برنامه توسعه، از نظر کالبدی - فضایی با انواعی از مشکلات مواجه شده و با داشتن بیش از ۳۰ هزار نفر جمعیت تا سال ۶۲ در نظام تقسیمات کشوری به عنوان یک نقطه روستایی تعریف شده است. و در نتیجه از داشتن انواع خدمات و امکانات یک شهر، به ویژه از مدیریت و طرح شهری، محروم مانده و به هر حال اکنون (سال ۸۱) با مجموعه ای از مشکلات شهری مواجه شده است. به نظر می رسد ادامه این وضع نه تنها برای الوند و شهروندانش، بلکه برای «منطقه شهری - صنعتی در حال شکل گیری قزوین» نیز مخاطرات و مشکلاتی داشته و خواهد داشت.

آنچه مسلم است رشد انفجاری و گسترش الوند و در نتیجه دگرگونی ها و مشکلات آن با حضور شهر صنعتی البرز ارتباط دارد و بدون آن به درستی قابل درک نیست. با توجه به این واقعیت است که دگرگونی های سازمان اجتماعی - اقتصادی و کالبدی - فضایی و نقاط عطف تحولات الوند از استقرار شهر صنعتی البرز و در پیوند با مراحل توسعه و تکوین آن، از اواسط دهه چهل تاکنون، موضوع این پژوهش قرار گرفته است. این پژوهش تلاشی است برای پاسخ به دو پرسش اساسی زیر:

۱- سیر دگرگونی ها و نقاط عطف تحولات الوند و ارتباط آن با شهر صنعتی البرز، طی سال های ۴۶ تاکنون چگونه بوده است؟

۲- علل و عوامل بنیادی شکل دهنده "ساز و کار و منطق حاکم و ناظر" بر تحولات الوند با ماهیت، ویژگی ها و مشکلات کنونی اش چه بوده است؟ به بیان دیگر چرا تحولات الوند به شکل گیری شهری متعارف (جدید یا سنتی) منجر نشده است؟

## نوشهرهای صنعتی اقماری به عنوان چهارچوب مفهومی چشم‌انداز تاریخی و ویژگی‌های پایه ای

از نظر تاریخی ریشه شهرهای جدید صنعتی را می‌توان در اردوگاه‌های کارگری در جوامع ماقبل صنعتی جستجو کرد: از اولین استقرارگاه‌های برنامه‌ریزی شده کارگران در مصر دوره فراعنه (۱۸۹۰ قبل از میلاد) تا تراس‌های کارگری در لندن قرن نوزدهم، و خانه‌سازی‌های اشتراکی برای کارگران کارخانه کشتی‌سازی "ونیز" کپرسازی‌های ویژه استقرار کارگران اسلحه‌سازی و نمک شویی در روسیه اواخر قرن هیجدهم و نیز اقدامات نهضت سوسیالیست‌های آرمان‌گرا در اروپا، به ویژه در انگلستان و فرانسه قرن نوزدهم، همه و همه پیشینه تاریخی و تجربی نوشهرهای صنعتی را در ادوار دور شکل داده‌اند.

قرن بیستم با طرح دو پیشنهاد برجسته در زمینه شهرهای جدید خودنمایی کرد: اول پیشنهاد «باغ شهرهای» اینتزر هووارد و دوم «شهر صنعتی» تونی گارنیه که این هر دو ایجاد شهرهای آرمانی خود را برای جمعیتی حدود ۳۵۰۰۰ هزار، اما با دو نقش متفاوت، مطرح کردند که سرآغاز رویکرد نوین به شهرهای جدید شد و بعدها با گذر از بحث و جدل‌های علمی و حرفه‌ای در محافل علمی رسماً تبلیغ شد و سرانجام نظریه «شهرهای جدید» به عنوان رهیافتی در سازمان‌دهی فضای ملی و منطقه‌ای و آمایش‌های شهری شکل گرفت و به تدریج از اواسط قرن بیستم و به ویژه در دوره پس از جنگ جهانی دوم مبنای ایجاد انواع گوناگونی از شهرهای جدید از جمله نوشهرهای صنعتی اقماری در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه شد [۱].

### ویژگی‌های پایه‌ای

بنا به تعریف، شهرهای جدید اقماری، جوامعی برنامه‌ریزی شده هستند که با فلسفه "تراکم زدایی" از شهرهای بزرگ و سازمان‌دهی فضایی "منطقه شهری"، معمولاً در حوزه نفوذ روزانه مادرشهرها و یا شهرهای بزرگ ایجاد می‌شوند. فرض اقماری بودن این گونه نوشهرها ایجاب می‌کند در فاصله‌ای کم از مادر به وجود آیند تا تأمین نیازهای گوناگون آن‌ها به راحتی صورت گیرد. فلسفه پیدایش و توزیع جغرافیایی این گونه شهرهای جدید در جهان حاکی از آن است که:

اولاً، این پدیده در مقیاس وسیع و نیز در شرایط اجتماعی - اقتصادی و نظام‌های سیاسی گوناگون به کار گرفته شده و تجربه‌ای نسبتاً موفق بوده است؛

ثانیاً، شهرهای جدید اقماری پذیرای نقش‌های گوناگونی بوده‌اند و اغلب در جایی که دارای پایه اقتصادی مستحکمی بوده‌اند در نقش صنعتی - خدماتی ظاهر شده‌اند و در مواردی نیز صرفاً با نقش خوابگاهی پدید آمده‌اند. با این که اصول کلی حاکم بر نوشهرهای اقماری، کمابیش

یکی است؛ تا کنون انواعی از شهرهای جدید صنعتی پدید آمده‌اند که "نوشهرهای صنعتی اقماری" گونه مهم آن است [۲]. از آنجا که نمونه مورد مطالعه این پژوهش با نقش صنعتی و با الگوی اقماری طراحی و ایجاد شده است، برخی از ویژگی‌های پایه‌ای شهرهای جدید صنعتی اقماری را به عنوان چهارچوبی برای راهنمایی و کمک به بررسی و تحلیل شهر صنعتی البرز در پیوند با تحولات الوند، بیان می‌کنیم:

**الف) هدف از ایجاد این گونه نوشهرها، اغلب سازمان‌دهی صنایع مادرشهر در قالب یک فضای واحد و تجهیز شده در محدوده "منطقه شهری" است؛**

**ب) در اکثر موارد نوشهرهای صنعتی به لحاظ اسم و رسم صنعتی بوده و پایه اقتصادی آن‌ها مستقل و متکی بر فعالیت‌های صنعتی اختصاصی یا چند گونه است؛ لیکن در برخی موارد صرفاً به خانه‌سازی‌های وابسته به یک یا چند صنعت نیز، شهر صنعتی نام داده‌اند؛ شهر صنعتی البرز با تلقی نخست، برنامه‌ریزی و نام‌گذاری شده است.**

**ج) معمولاً فعالیت‌های صنعتی این گونه نوشهرها به دلیل ملاحظات زیست محیطی، متکی بر صنایع سبک و مصرفی و اغلب غیر آلاینده است در غیر این صورت، ایجاد آن‌ها همواره باعث مسابلی پیچیده در عرصه محیط زیست ما در شهر می‌گردد؛**

**د) مکان‌یابی و مقر گزینی آن‌ها، بنا به ماهیت فعالیت‌های صنعتی، در چهار چوب "منطقه شهری" صورت می‌گیرد و تابعی از دو نیاز است: یکی، حداکثر رساندن امکان دسترسی به صنعت، و دیگری اجتناب از صدا، آلودگی هوا و رفت و آمدها و نقل و انتقالات ناشی از حضور و استقرار صنعت. از این رو است که تأثیرات این گونه شهرهای جدید در حوزه نفوذ بلافصل و به طور مشخص تر بر روی مادر شهر و مجتمع‌های زیستی مجاورشان ظاهر می‌گردد. در هر حال، با توجه به اهداف و سیاست‌های ناظر بر ایجاد نوشهرهای صنعتی اقماری، معمولاً به یکی از الگوهای زیر مکان‌یابی می‌شوند:**

**الگوی اول - مجتمع صنعتی؛** در این حالت، واحدهای صنعتی گوناگون در زمینی مناسب و تحت نظارت و سازماندهی و تابع یک سیاست عمرانی واحد، استقرار می‌یابند لیکن فاقد تسهیلات مسکونی و سایر خدمات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و رفاهی است و حیات مدنی و جو شهری در آن شکل نمی‌گیرد. در این الگو مجتمع صنعتی برای تأمین نیازهای گوناگون کارکنان خود به ویژه مسکن وابسته به شهرها و روستاهای حوزه نفوذ خود به ویژه مادرشهر، است. این الگو در خالص‌ترین شکل خود "شهر - کار" نامیده می‌شود.

**الگوی دوم - شهر صنعتی؛** در این الگو هدف ایجاد شهری با پایه اقتصادی مستقل و جو اجتماعی و مدنی متعارف است. از این رو، نیازهای عمومی یک شهر متعارف را در آن‌ها به وجود می‌آورند. این نیازها دامنه‌ای گسترده از خدمات و فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد که بارزترین آن‌ها

تسهیلات مسکن، خدمات تجاری، رفاهی، فرهنگی و اجتماعی است. تجربه نشان داده است که این شیوه سازمان‌دهی، جاذبه‌های لازم برای برپایی زندگی شهری دارد و اغلب به شکل‌گیری شهری جوامع برای زندگی اجتماعی ساکنان خود می‌انجامد و در نتیجه کمترین مناسبات وابستگی‌زا " میان شهر جدید با مادر شهر برقرار می‌شود.

**الگوی سوم** - در مواردی که شهر صنعتی به طور جامع برنامه‌ریزی نمی‌شود و یا به دلایلی پس از طرح‌ریزی امکان تحقق نمی‌یابد. معمولاً شکلی بینابینی با هویتی دوگانه به همراه برخی از ویژگی‌های الگوی اول و دوم به وجود می‌آید که هم تجمعی از واحدهای گوناگون صنعتی را در خود جای می‌دهد و هم قسمتی از مسکن و خدمات مورد نیاز کارکنان واحدهای صنعتی را تأمین می‌کند. در این حالت نیز بخش اصلی خدمات و سهم عمده‌ای از نیازهای مسکونی این گونه مجتمع‌های صنعتی را مادر شهر و نزدیک‌ترین مجتمع‌های زیستی تأمین می‌نمایند [۳].

تجارب کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در این مورد نشان می‌دهد که این الگوها در شرایط و مقتضیات گوناگون ایجاد شده و شکل خاصی از دگرگونی و در عین حال سازمان‌دهی فضایی را به دنبال داشته است. بدیهی است این امر در کنار تفاوت‌هایی که کشورها از لحاظ مقتضیات تاریخی، شرایط و ویژگی‌های فرهنگی اقتصادی و سطح توسعه یافتگی دارند؛ تعمیم اصول و ویژگی‌های "نوشهرهای صنعتی اقماری" را محدود و مشروط می‌نماید [۴]. از این رو، با آگاهی از محدودیت‌های یاد شده، کوشش می‌شود در حد نیاز این مقاله و با عنایت بر ویژگی‌های نوشهرهای صنعتی اقماری؛ ماهیت و تحولات شهر صنعتی را در پیوند و با محوریت دگرگونی‌های "مجتمع زیستی الوند" در سه دوره به شرح زیر، بررسی و تحلیل نماید.

### دوره اول: ایجاد شهر صنعتی البرز و آغاز دگرگونی‌های روستای الوند (۴۶ تا ۷۵)

با شروع عملیات احداث شهر صنعتی البرز اواسط دههٔ چهل و اشتغال تعدادی از نیروی کار جوان روستای الوند در عملیات ساختمانی واحدهای تولیدی شهر صنعتی البرز، دگرگونی‌های این روستا آغاز می‌گردد. بین سال‌های ۴۸ تا ۵۷ به تدریج حدود ۱۳۴ واحد صنعتی در شهر صنعتی البرز ساخته می‌شود [۵] و از این طریق حدود ۲۷ هزار شغل جدید صنعتی در شهر صنعتی و نیز حدود ۷ هزار شغل جنبی فراهم می‌گردد و به این ترتیب بالغ بر ۳۵ هزار شغل جدید طی دوره مورد بحث در منطقه قزوین پدید می‌آید (جدول ۱) [۶].

این تعداد فرصت شغلی جدید در حاشیه شهری که در دههٔ قبل فاقد آن بوده است، البته زمینه مثبت و انگیزه‌ای نیرومند برای جذب جمعیت در این رشته از فعالیت‌ها به وجود آورد و در نتیجه مهاجرت‌های گسترده به شهر و منطقه قزوین صورت گرفت.

جدول ۱: تعداد واحدهای صنعتی و فرصتهای شغلی از سال ۴۶ تا ۷۵

مشخصات	تعداد واحد صنعتی	فرصت شغلی فراهم شده
دوره اول (سالهای ۴۸ تا ۷۵)	۱۲۳	* ۳۵
دوره دوم (سالهای ۵۷ تا ۶۱)	۴۶	* ۴۵
دوره سوم (سالهای ۶۲ تا ۷۵)	۱۹۰	* ۴۵
کل	۳۵۹	

مأخذ: طرح جامعه شهر صنعتی البرز ۱۳۶۲ و روابط عمومی شرکت شهر صنعتی البرز ۱۳۷۵.

\* لازم به توضیح است که این ارقام فرصت‌های شغلی فراهم شده در هر دوره است. تعداد شاغلان در فصول مختلف سال و نیز در سال‌های مختلف متفاوت بوده است. به همین لحاظ تعداد شاغلان در سال‌های گوناگون و نیز در مدارک و منابع مربوط متفاوت اعلام شده است. در هر حال ما از اطلاعات و منابع مربوط به دفتر شرکت شهر صنعتی البرز ذکر کرده ایم که در جای خود آمده است.

این مهاجرت‌ها زمانی روی داد که شهر قزوین در زمینه مسکن در شرایط زیر قرار داشته است:

(۱) در آستانه صنعتی شدن قزوین در سال ۴۵ از مجموع ۱۷۰۱۵ خانوار ساکن ۵۶۶۶ خانوار اجاره نشین بوده‌اند و در سال ۵۵ این رقم به ۱۱۲۸۱ خانوار افزایش یافته است.

(۲) علی‌رغم مهاجرت‌های صورت گرفته، عملیات خانه‌سازی شهر صنعتی البرز با ۵ سال تأخیر در سال ۵۲ آغاز می‌شود و تا آخر این دوره تنها ۷۰۰ واحد ویلایی و آپارتمانی ایجاد می‌گردد.

(۳) ممنوعیت احداث ساختمان در خارج از محدوده قانونی و نیز در محدوده استحفاظی شهرها که طی سال‌های ۴۵ تا ۵۷ ادامه داشته است [۸]؛ این شرایط که جملگی عرصه سکونت را در شهر قزوین به ویژه برای مهاجران محدود کرده‌اند در نتیجه این وضع موجب شد تا بخشی از تازه‌واردین به این منطقه، خصوصاً مهاجرین با منشاء روستایی و با توان محدود اقتصادی، اجباراً در خارج از شهر قزوین و در نقاط شهری و روستایی نزدیک شهر صنعتی البرز ساکن شوند. در این میان روستای الوند در ۱۴ کیلومتری شرق شهر قزوین و در یک کیلومتری شهر صنعتی البرز، موقعیتی کاملاً استثنایی داشته و به عنوان یک کانون زیستی، مورد توجه قرار می‌گیرد.

جمعیت الوند در سال ۳۵، ۵۹۵ نفر، در سال ۴۵، ۷۲۶ نفر در سال ۵۵ به ۴۵۰۵ نفر افزایش می‌یابد که متوسط رشد سالیانه آن ۲۰ درصد بوده است و حاکی از مهاجر پذیری آن است (جدول ۲). در این دوره، دو عامل اصلی در جذب مهاجران، به ویژه کارکنان شهر صنعتی، به الوند موثر بوده است:

(۱) ارزانی قیمت زمین و اجاره بهای مسکن در الوند در مقایسه با شهر قزوین. چرا که در سال ۵۵ زمین مرغوب در قسمت شمال و شمال شرق شهر قزوین متر مربعی بین ۶۰۰ تا ۱۶۰۰ ریال و



کم بهاترین زمینهای جنوب شهر مترمربعی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ ریال ارزش داشته [۹]؛ در حالی که در همین سالها مرغوبترین زمین در شمال روستای الوند مترمربعی بین ۲۰ تا ۵۰ ریال بوده است [۱۰].

دوم) مجاورت الوند با شهر صنعتی البرز و در نتیجه گرایش به استفاده از امتیاز " وحدت محیط کار و زندگی".

جدول ۲: تعداد و متوسط رشد جمعیت الوند در سالهای ۳۵ تا ۷۵

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵
جمعیت الوند	۵۹۵	۷۲۵	۴۵۰۵	۳۹۹۳۸	۵۴۵۵۷	۶۰۷۵۸
متوسط رشد سالانه	۲/۰۰	۲۰/۰۴	۲۴/۳۹	۶/۴۴	۲/۱۸	

متوسط رشد جمعیت بین سالهای ۳۵ تا ۷۵ برابر ۱۲/۲۶ بوده است.

تا پیش از استقرار شهر صنعتی، کارکرد اصلی الوند کشاورزی و دامپروری و تنها دو باب مغازه خرده فروشی داشته است، لیکن با سکونت مهاجران جدید در الوند بنا به ضرورت، خدمات روزمره به تدریج به وجود آمد به نحوی که در سال ۵۵ الوند با ۴۰۰ خانوار و ۴۵۰۵ نفر جمعیت حدود ۱۲۰ واحد خدمات گوناگون، بویژه خدمات تجاری خرده فروشی، داشته که حدود ۱۸۰ نفر در آنها اشتغال داشته‌اند. با وجود این، امکانات آموزشی آن در این دوره منحصر به دو باب مدرسه ابتدایی بوده و از نظر خدمات بهداشتی و درمانی تنها یک پزشک عمومی همراه با تزریقات و یک واحد کوچک دامپزشکی تجربی داشته است.

ارتباطات و آمد و شد میان شهر قزوین و شهر صنعتی با ۲۵ مینی بوس، ۱۳ اتوبوس و ۱۶ وانت بار تأمین می شده است که حدود نصف این وسایل متعلق به کارخانه‌ها و بقیه در مالکیت ساکنان الوند بوده است. بدیهی است این حجم تردد و مبادله نشانگر موقعیت شهر صنعتی در تأمین اشتغال ساکنان الوند و نیز بیانگر گسترش الوند در این دوره است [۱۱].

در اواخر این دوره حدود ۲۰۰۰ خانوار در ده الوند سکونت داشته اند که حدود ۱۹۰۰ خانوار آن‌ها از کارکنان شهر صنعتی بوده‌اند که با بعد خانوار ۵ نفر، حدود ۹۰۰۰ نفر از ساکنان شهر وابسته به شهر صنعتی البرز بوده است. بدین ترتیب البرز در تحول پایه اقتصادی الوند نقش قابل توجهی داشته است: با توجه به این که حقوق روزانه کارگر ساده شهر صنعتی بدون واگذاری مسکن شرکتی به ایشان، بین ۱۴۰ تا ۳۲۰ ریال؛ حقوق روزانه یک کارگر نیمه ماهر صنعتی بین ۳۵۰ تا ۵۰۰ ریال و متوسط حقوق روزانه یک کارگر به طور کلی ۳۲۷ ریال بوده است؛ بدین ترتیب ماهیانه مبلغ ۱۸/۶۳۹/۰۰۰ ریال از بابت حقوق و دستمزد کارکنان شهر صنعتی ساکن الوند، به این روستا وارد و علی‌الاصول توان اقتصادی آنرا افزایش داده است. تقویت پایه اقتصادی الوند

دگرگونی در سایر عرصه‌ها را به دنبال داشت و موجب پیدایش هسته اولیه فعالیت‌های تجاری و پیشه‌وری روزمره شد. وجود ۱۲۰ واحد تجاری و پیشه‌وری در اواخر دوره نشانه دلالت بر این دگرگونی دارد. در هر حال الوند در این دوره نقش سنتی - کشاورزی خود را داشته، لیکن سکونت بخش قابل توجهی از کارکنان شهر صنعتی در الوند، "نقش جدید خوابگاهی" آن را به نحو بارز آشکار ساخته است.

### تحول سازمان کالبدی - فضایی

با ورود مهاجران به الوند، به تدریج و طی سال‌های ۴۶ تا ۵۴ فضای سنتی و محصور قلعه الوند کاملاً اشباع شد و الوند به اجبار به سمت جبهه شمالی شتابان گسترش یافت. چنین شد که خیل مهاجران به دنبال سرپناه و نه مسکن در خور، در زمین‌های میان قلعه قدیم و شهر صنعتی البرز با شتاب و به صورت قولنامه‌ای و در ابعاد کوچک (میانگین قطعات ۶۷ متر) و بدون نقشه و نظارت شهری، خانه سازی کردند و بافت میانی الوند را با عنوان "الوند نو" پدید آوردند. از ویژگی‌های توسعه کالبد فضایی الوند در این دوره، نبود طرح شهرسازی و فقدان مدیریت و نظارت یک نهاد رسمی بوده است. بدین لحاظ بافت کالبدی "الوند نو" آشفته، خیابان‌ها باریک و کوچه‌ها پیچاپیچ و نامناسب برای حرکت اتومبیل بوده است. فضای عمومی بسیار محدود و از فضای سبز بی بهره بوده و خیابان‌ها و کوچه‌ها خاکی و سیمای الوند کاملاً روستایی و معماری و مصالح آن تابع توان اقتصادی و فرهنگ زیستی مهاجران اغلب روستایی، بوده است. بیش از ۸۵ درصد خانوارهای ساکن الوند بدون برق بوده‌اند و کمبود زیر ساخت‌ها و تأسیسات شهری و آب لوله کشی و نیز نبود نظامی برای استقرار فعالیت‌ها در الوند از اختصاصات ساخت بی‌انظمام و ساخت بی‌الگوی کالبدی - فضایی الوند، در این دوره بوده است. (نقشه ۱). بدین سان، روستای الوند در شرایطی مرحله نخست دگرگونی‌های خود را پشت سر گذاشته و در معرض تحولات پرشتاب بعد از انقلاب اسلامی، قرار می‌گیرد، که به دلیل غفلت طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران شهر صنعتی البرز و مسئولان وقت شهر قزوین؛ استعدادهای تاریخی، مکانی و زیست محیطی الوند، برای تبدیل شدن به یک "هسته شهری برنامه ریزی شده" در جوار البرز، نادیده گرفته شد و الوند در قالب یک "مجتمع زیستی خودرو" شکل گرفت.

### دوره دوم - تداوم گسترش شتابان و بدون برنامه الوند (سال‌های ۵۷ تا ۶۱)

در این دوره پیامدهای انقلاب اسلامی نیز بر تحولات الوند تأثیرات خاص می‌گذارد. طی این سال‌ها حدود ۴۷ واحد صنعتی جدید در البرز به بهره برداری می‌رسد. پیروزی انقلاب اسلامی و دگرگونی در وضع مالکیت صنایع البرز، مشکلات و تنگناهای ناشی از تحریم اقتصادی کشور

و رکود تولیدی - صنعتی شهر البرز را در پی داشت. با وجود این مشکلات، تمایل صاحبان صنایع برای استقرار در شهر صنعتی البرز فرصت‌های شغلی جدیدی را پدید آورد که همسو با فضای پرتلاطم مهاجرت‌های سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب، باعث مهاجرت‌های پردامنه‌ای به منطقه و شهر قزوین شد به طوری که جمعیت شهر قزوین از ۱۳۹۲۵۸ نفر در سال ۵۵ با رشد متوسط سالیانه ۵/۹۷ درصد به ۲۴۸۵۹۱ نفر در سال ۶۵ رسید که از این میان ۶۶۱۷۵ نفر یا ۶۲/۶ درصد جمعیت شهر را مهاجران تشکیل می‌دادند. بنا به آمارهای موجود، در فاصله سال‌های مورد بحث، حدود ۴۵ هزار فرصت شغلی مربوط به شهر صنعتی البرز فراهم بوده است (هر چند نه به صورت ثابت و دائمی) و به این ترتیب بر جاذبه‌های اقتصادی البرز بیش از پیش افزوده شده است (ر.ک. جدول ۱). در این دوره، علاوه بر عوامل ذکر شده دو عامل دیگر نیز بر روند تحولات آن تأثیر تعیین‌کننده داشته‌اند: یکی لغو ممنوعیت ساخت و ساز در خارج از محدوده قانونی و استحقاقی شهرها در پی پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ و در نتیجه تعطیل موقت اجرای این قانون، که این امر زمینه گسترش الوند را در محدوده عرفی شمال آن، فراهم آورد و دیگری، اقدام نه چندان سنجیده دولتمردان انقلاب اسلامی در اعطای تسهیلات اعتباری و واگذاری زمین شهری به خانواده‌های شهرنشین بدون مسکن، که عامل روانی و اقتصادی و اجتماعی نیرومندی در گسیل مهاجران به شهرها و از جمله الوند با موقعیت خاص آن بوده است. بدین سان، طی این دوره دو عامل پیش گفته به همراه زمینه‌ها و عوامل مؤثر در ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، در پیوند با هم محرک مهاجرت‌های گسترده‌تری به الوند شده است. چنین بوده است که جمعیت الوند از ۹ هزار نفر در سال ۵۷ با رشد سالانه حدود ۲۳ درصد به ۲۸۵۰۰ نفر در سال ۶۱ بالغ می‌گردد [۱۳].

الوند در این دوره نقش «خوابگاهی - خدماتی» داشته است. سکونت تعداد ۲۹۷۱ نفر یا ۱۳/۴ درصد کارکنان شهر صنعتی البرز در الوند نقش خوابگاهی آن را ارتقا بخشیده و در عین حال افزایش تعداد و تنوع واحدهای خدماتی تجاری با ۴۵۰ واحد فعال و حدود ۲۲۰ دهنه مغازه افتتاح نشده، و بالغ بر ۱۰۰۰ نفر شاغل در آن‌ها [۱۴]، حاکی از آن است که نقش خدماتی - تجاری الوند، هر چند «خودانگیز» و ضعیف، شکل گرفته است. اگر شاغلان خدماتی در بخش‌های دولتی و حمل و نقل و ساختمان (حدود ۸۰۰ نفر) را نیز در نظر بگیریم، جمعیت وابسته به بخش خدمات و ساکن الوند در اواخر این دوره به حدود ۹۰۰۰ نفر می‌رسد که با توجه به جمعیت ۳۲۰۰ نفری الوند، در اواخر این دوره، عملاً حدود  $\frac{1}{3}$  جمعیت از نظر اقتصادی وابسته به بخش خدمات بوده‌اند. در فرآیند گسترش فعالیت‌های تجاری خدماتی در الوند، طی این دوره سه عامل تأثیر داشته است:

۱) کمبود و یا نبود بسیاری از خدمات و کالاهای مورد نیاز کارکنان شهر صنعتی که همچنان تا این سالها مورد بی توجهی بوده است؛

۲) حضور جمعیت مهاجر غیر شاغل در شهر صنعتی البرز در الوند حدود  $\frac{1}{3}$  جمعیت شاغل؛  
 ۳) قرار داشتن یک منظومه روستایی در حوزه نفوذ الوند و در نتیجه لزوم شکل گیری یک مرکز خدماتی در سلسله مراتب شهری میان قزوین و روستاهای مذکور.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که خدمات الوند از لحاظ کمی و کیفی محدود بوده است چرا که تا اواخر این دوره، علی‌رغم داشتن حدود ۳۲۰۰۰ نفر جمعیت و موقع استثنایی آن در جوار البرز، در نظام تقسیمات کشوری، الوند به عنوان روستا تعریف شده است. در نتیجه خدمات عمومی و مرسوم شهری از جمله خدمات آموزشی، پرورشی، بهداشتی - درمانی و مدیریتی که معمولاً دولت عهده دار ارائه آن است، در الوند ایجاد نشده و توجه بدان در حد یک نقطه روستایی بر جای مانده است. به طوری که اطلاعات مربوط به کاربری اراضی و عملکرد الوند در سال ۶۲ نشان می‌دهد به جز سرانه فعالیت های تجاری ( $1/55$  در صد مساحت بر شهر و معادل ۲۱۶۶۶ متر مربع که در مقایسه با  $1/82$  درصد پیشنهاد شده برای شهرهای کوچک کشور حاکی از کمبود فوق العاده ای نیست)، در سایر عرصه ها به ویژه سرانه بهداشتی و درمانی ( $0/11$  درصد در برابر  $1/5$  درصد پیشنهادی) و آموزشی ( $0/03$  درصد در مقابل  $3/5$  درصد پیشنهادی) الوند با فقر خدماتی مواجه بوده است (جدول ۳). علاوه بر این، واحدهای خدماتی شهر در این دوره عمدتاً در دو محور (خیابان امام خمینی و ولی عصر) به نحو نامتعادل و بدون انتظام لازم کالبدی فضایی و عدم رعایت هم‌جواری، متمرکز بوده است در حالی که در سایر بافت‌ها نبود آن آشکارا ساکنان را زیر فشار قرار می‌داده است. نتایج پرسشگری این پژوهش نیز تداوم این وضع را حتی در دوره سوم تایید می‌کند (جدول ۴).

### تحول سازمان کالبدی فضایی

رشد جمعیت الوند و افزوده شدن تعداد مهاجران غیر شاغل در شهر صنعتی و در نتیجه شکل گیری و گسترش نقش خدماتی الوند به موازات هم، تقاضای روز افزون فضا جهت سکونت و فعالیت را به دنبال داشت و این در شرایطی بوده است که شهر قزوین در مقابل ۵۲۱۶۹ خانوار ۴۴۵۲۴ واحد مسکونی داشته است. شهر صنعتی البرز تنها حدود ۵ درصد کارکنان خود را سکنا داده است و الوند نیز فاقد توان لازم جهت تأمین همه تقاضای مهاجران جدید و طالب سکونت بوده است. به طوری که در اواخر این دوره از مجموعه ۱۰۲۵۸ خانوار ۷۴۰۵ خانوار مالک محل سکونت خود بوده و ۲۸۴۳ خانوار یعنی  $27/7$  درصد ساکنان الوند اجاره نشین بوده‌اند. این وضع سرانجام مسئولان وقت شهر صنعتی البرز را بر آن داشت تا در اقدامی نه چندان سنجیده تعداد

۱۱۲۲ قطعه زمین بخش مسکونی شهر صنعتی را خارج از اصول و اهداف طرح جامع شهر صنعتی البرز به تعاونی‌های کارگری و ۱۳ قطعه زمین را به داوطلبان ایجاد کارخانه در شهر صنعتی البرز، واگذار نمایند و به این طریق باقیمانده زمین‌های شهر صنعتی از سال ۵۸ به بعد به تدریج زیر کاربری‌های مسکونی و صنعتی رفت [۱۵].

جدول ۳: کاربری‌های اراضی شهر الوند در سالهای ۶۲ و ۷۵

ردیف	نوع کاربری	سال ۱۳۶۲ (۱)		سال ۱۳۷۵ (۲)	
		مساحت کاربری متر مربع	سرانه کاربری متر مربع	مساحت کاربری متر مربع	سرانه کاربری متر مربع
۱	مسکونی	۹۰۱۱۱۴/۵	۲۰	۱۱۷۱۶۴۴	۱۷/۱۶
۲	آموزشی	۷۴۸۶	۰/۱۶	۶۴۷۶۶	۰/۹۸
۳	درمانی (۴)	۱۳۴۷	۰/۰۳	۱۰۳۱۷	۰/۱۵
۴	بهداشتی (۴)	۱۳۶۱	۰/۰۳	-	-
۵	فضای سبز	۲۳۲۰۰	۰/۵	۳۴۰۷۵	۰/۴۹
۶	ورزشی	۱۷۴۰۰	۰/۴	۴۹۳۹۷	۰/۷۴
۷	تجاری	۲۱۶۶۶	۰/۴۶	۶۳۷۰۰	۰/۹۴
۸	اداری	۹۷۱۵	۰/۲	۸۶۰۳۵	۱/۳۰
۹	فرهنگی	-	-	۱۲۱۴۸	۰/۱۸
۱۰	مذهبی	۸۱۰۷	۰/۱۷	۱۲۷۶۶	۰/۱۹
۱۱	شبکه معابر	۳۴۰۰۰۰	۷/۵	۱۴۲۵۰۱۹	۲۱/۵۶
۱۲	گردشگری و پذیرایی	۵۰۰	۰/۰۱	-	-
۱۳	تاسیسات و تجهیزات	۵۵۷۵۸	۱/۲۴	۵۷۹۱۳	۰/۸۶
۱۴	آموزش عالی	-	-	۳۴۴۷	۰/۰۵
۱۵	کارگاهی	۸۶۰	-	۱۳۳۸۴	۰/۲۰
۱۶	کل	۱۸۵ هکتار		۲۸۵ هکتار	

- ۱- مأخذ: طرح توسعه نشر الوند، ۱۳۶۲، مهندسین مشاور شارمند.
  - ۲- مأخذ: مطالعات تجدید نظر در طرح توسعه شهر الوند، ۱۳۷۷، همان مهندسین مشاور.
  - ۳- کاربری باغات و مزارع در شهر الوند به میزان حدود ۵۹/۹ هکتار بوده که در این رقم محاسبه نشده است.
  - ۴- کاربری بهداشتی و درمانی با هم دیده شده.
- توضیح این که: جمعیت شهر الوند در اواخر سال ۶۲ حدود ۳۲۰۰۰ نفر برآورد شده و در سال ۷۵ بالغ بر ۶۰۷۵۸ نفر بوده است.

این زمین‌ها در شمال الوند واقع شده و به دلیل برخورداری از طرح تفکیک اولیه معابر و نظارت نسبی مدیریت شرکت شهر صنعتی البرز و تعاونی‌های کارکنان صنایع، از انتظام شهری قابل قبولی برخوردار شده است. به موازات این تحولات ساخت و سازهای فاقد برنامه و «خودرو» نیز میان هسته قدیمی الوند و خانه‌سازی‌های جدید وابسته به شهر صنعتی در جوف و در ادامه آنچه نام «الوند نو» بر خود یافت، مناسب با توان محدود اقتصادی و فرهنگی زیستی مهاجران جدید، کمابیش ادامه یافت.

جدول ۴: نوع خدمات مورد نیاز شهروندان الوند و محل تأمین آنها

عطف اولویت		محل تأمین نیاز (خدمات)				محل تأمین				
مقدار اولویت	اولویت دوم (۲)	اولویت اول (۱)	شهر فرزون	شهر صنعتی البرز	شهر الوند	درصد	نماد			
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد			
۵/۸	۷	۲	۸۶/۳	۱۱۰	۴	۱۱/۸	۱۴	۷۸/۶	۹۹	خدمات مورد نیاز
۷/۹	۱۰	۲	۸۶/۱	۸۵/۷	۴	۶/۳	۸	۰/۶۶	۹۷	تعمیر وسایل خانگی نظیر یخچال و راديو
۷/۴	۷/۴	۲	۹۹/۹	۱۱۹	۴	۷/۴	۳	۱۵/۹	۱۰۳	خدمات بانکی
۶/۳	۸	۲	۸۷/۳	۱۱۰	۴	۰/۴	۵	۱۲/۷	۹۷	آزمایشگاه و خدمات آرایشی
۱۵/۸	۱۹	۲	۶۹/۸	۸۸	۴	۲۲/۲	۲۸	۲/۹	۸۶/۳	خدمات خیاطی
۱۰/۳	۱۳	۲	۸۱/۷	۱۰۳	۴	۱/۹	۱۵	۷/۹	۱۰۰	خرید وسایل خانگی نظیر یخچال ، تلویزیون و خرید لباس ، کفش و نظایر آن
۴/۸	۶	۲	۴۸/۴	۶۱	۴	۱/۲	۱۴	۲/۲	۴	تعمیر وسایل نقلیه مثل اتوبوس ، موتورسیکلت و دستان
۱/۸	۲	۲	۷۷/۸	۹۸	۴	۲/۴	۳	۲/۸	۵۵/۶	۷۰
۳/۲	۴	۲	۵۷/۹	۷۳	۴	۰/۸	۱	۲/۸	۲۶	۴۴
۶/۳	۸	۲	۶۱/۹	۷۸	۴	۱/۸	۲	۳/۸	۴۰	۲۴/۹
۴	۵	۲	۴۷/۸	۵۹	۴	۰/۸	۲	۳/۸	۴۰	۲۴/۹
۵/۸	۷	۲	۴۷/۸	۵۹	۴	۱/۸	۲	۳/۸	۴۰	۱۹/۸
۶/۳	۸	۲	۲۱/۹	۲۷	۴	۹/۵	۱۲	۳/۸	۴۰	۱۶/۸
۵/۸	۷	۲	۹۰/۵	۱۱۴	۴	۵/۶	۷	۱/۹	۲۴	۶/۳
۱۱/۹	۱۵	۲	۸۱/۸	۱۰۳	۴	۴/۸	۶	۰/۳	۲۹	۷۵/۶
۵/۸	۷	۲	۸۸/۷	۸۷/۳	۴	۲/۴	۳	۰/۲۰	۲۶	۷۵/۴
۷/۹	۱۰	۲	۷۹/۸	۱۰۰	۴	۹/۵	۱۲	۱۵/۹	۲۰	۶۸/۳

مأخذ: پرسشگری پژوهش حاضر، ۱۳۷۴.

- (۱) عدد ۴ = اولویت اول و معنی آن این است که خدمات و کالاهای مورد نیاز با قیمت مناسب و با حق انتخاب در خود الوند قابل تهیه بوده است.
- (۲) عدد ۲ = اولویت دوم و معنی آن این است که به دلیل نبود خدمات یا کالای مورد نظر در الوند و وجود آن در شهر صنعتی البرز ترجیحاً از شهر صنعتی تهیه یا تأمین شده است.
- (۳) در مواردی که جمع درصدها برابر ۱۰۰ نمی شود مربوط به پاسخ هایی است که نقاط دیگری را برای تأمین نیازهای خود مطرح کرده اند که چون مورد توجه و نیاز این تحقیق نبود حذف شد. همچنین در برخی موارد، سؤال مورد نداشته، بنابراین ضریب آن صفر بوده است؛ مثل تعمیر اتوبوس.
- (۴) تعداد خانوارهای منتخب مورد پرسشگری: ۱۵۸ خانوار بوده است.

طی سال‌های مذکور حدود ۳۷۶۱ واحد مسکونی در الوند ساخته شده که این مقدار ۷۵ درصد کل سطح الوند تا سال ۶۲ بوده است [۱۶].

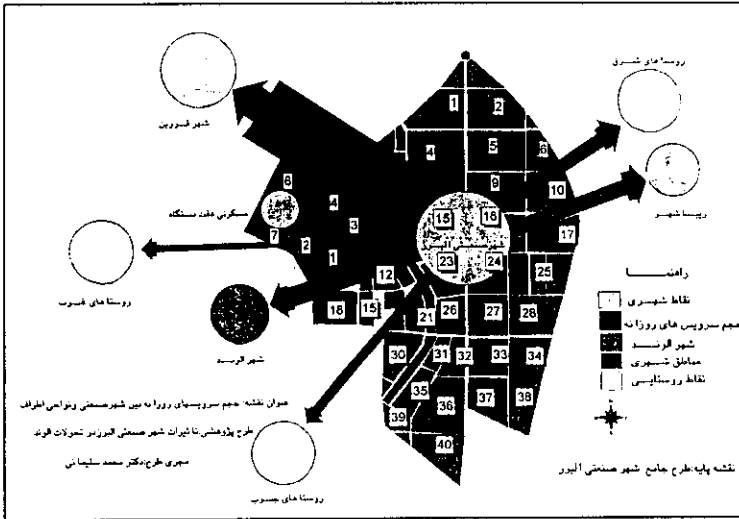
طی این دوره، آثار ناشی از حضور گسترده مهاجران نه تنها بر الوند که بر شهر قزوین و بسیاری از روستاهای پیرامون نیز مضاعف می‌گردد زیرا و با این که علت و عامل اصلی این دگرگونی‌ها، شهر صنعتی البرز بوده است، همچنان فاقد ظرفیت‌های لازم برای اسکان کارکنان خود بر جای مانده است به طوری که در اواخر این دوره تنها تعداد ۱۳۳۰ نفر یا ۶/۰۴ درصد آن‌ها در خانه‌های سازمانی شهر صنعتی ساکن بوده‌اند، در حالی که ۱۳۵۶۸ (نفر ۶۱/۱۳ درصد) در شهر قزوین و ۲۶۷۱ نفر (۱۳/۳ درصد) در شهر الوند و بقیه در شهرها و روستاهای دور و نزدیک منطقه سکونت داشته‌اند.

این وضع بر قیمت زمین و مسکن و اجاره بهای مسکن در الوند به طور خاص تأثیر داشته است [۱۷]. کما این که، زمین‌های کشاورزی واقع بین قلعه قدیمی و شهر صنعتی که در دوره اول متر مربعی بین ۲۰ تا ۵۰ ریال خرید و فروش می‌شد، در این دوره در روندی نامتعارف در مقایسه با دیگر روستاها و مجتمع‌های زیستی پیرامون، به متر مربعی بین ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال و در محور تجاری الوند متر مربعی بین ۳۰/۰۰۰ تا ۴۰/۰۰۰ ریال و به صورت قولنامه‌ای معامله شده است [۱۸]. قیمت زمین در شهر قزوین ۲۰ برابر و اجاره مسکن نیز تا ۱۵ برابر شده است [۱۹].

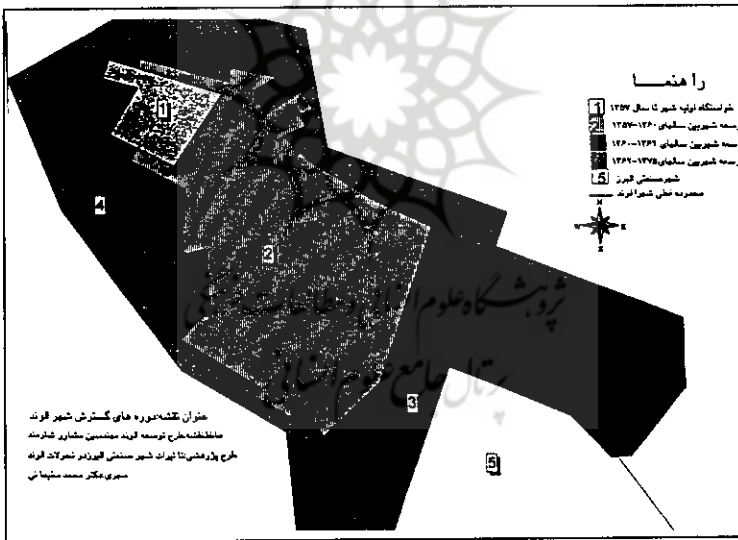
دگرگونی‌های الوند در این دوره به نحوی بوده است که وسعت الوند از ۱۳/۵ هکتار قلعه تاریخی به ۱۸۵ هکتار در سال ۶۲ می‌رسد، لیکن همچنان ساختی غیر منظم، بافتی «خودرو» و متراکم؛ سیمای یک روستا - شهر را داشته است. کاربری‌های زمین در الوند بی‌انتظام و نامتعادل و کمبود شدید خدمات آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و فضای سبز و فضای عمومی محرز بوده است. توزیع خدمات همچنان قطبی و در بافت میانی الوند تمرکز داشته و بافت‌های پیرامونی و نوساخته دچار نبود و کمبود آن‌ها در رنج بوده‌اند.

به هر حال در دوره دوم نیز، شهر صنعتی البرز همچنان منبع و پایه تحولات الوند بوده است و نقش اصلی الوند کماکان خوابگاهی بوده است. شکل‌گیری خود انگیخته خدمات تجاری خرده فروشی، متناسب با قدرت خرید و الگوی مصرف طبقه کارگر و عمدتاً روستایی، به عنوان نقش دوم الوند (هر چند ضعیف)، آشکار می‌شود. کالبد بی‌انتظام و کمبود انواع خدمات شهری و نبود فضای عمومی و فقدان مدیریت شهری و طرح شهر سازی نیز از ویژگی‌های الوند در این دوره است (نقشه ۱ و ۲).

نقشه ۱ دوره‌های گسترش شهر الوند



نقشه ۲ حجم سرویس های روزانه بین شهر صنعتی و نواحی اطراف



دوره سوم: شهر شدن الوند، ایجاد سازمان ها و نهادهای شهری و رشد برنامه دار شهر (۱۳۶۲ تا ۷۵) این دوره مصادف با مرحله سوم تحولات صنعتی البرز است. طی سال های ۶۲ تا ۷۵ حدود ۱۹۰ واحد صنعتی جدید در شهر البرز ساخته شد و به این ترتیب شهر صنعتی با ۳۵۹ واحد تولیدی به ظرفیت نهایی خود نزدیک شده است. تشدید نقش صنعتی شهر البرز بر جاذبه های آن افزود و مهاجران باز هم بیشتری را به منطقه و از آن طریق به الوند فراخواند (جدول ۱). در اواسط این



دوره جنگ تحمیلی علیه ایران خاتمه یافت و دوره بازسازی کشور آغاز گردید بسیاری از مشکلات و تنگناهای ناشی از تغییر مالکیت صنایع و خلع ید از وابستگان رژیم گذشته از میان رفت و حمایت دولت از صنعت بیشتر شد. شهر صنعتی البرز در همین فضا گسترش یافت و جایگاه و عملکرد آن در مقیاس ملی و منطقه‌ای ارتقاء یافت. به رغم این تحولات، تعداد و آهنگ مهاجرت به منطقه و شهر صنعتی البرز کاهش یافت: رشد جمعیت شهر قزوین از ۵/۹۷ درصد در سال ۶۵ به ۲/۳۲ درصد در سال ۷۰ و ۰/۸۷ درصد در سال ۷۵ کاهش می‌یابد. در شهر الوند نیز، رشد جمعیت از ۲۴/۳۹ درصد در سال ۶۵ به ۶/۴۴ درصد در سال ۷۰ و ۲/۸۷ درصد طی سال‌های ۷۰ تا ۷۵ کاهش می‌یابد (جدول ۲). بررسی‌ها حاکی از آن است که کند شدن آهنگ رشد منطقه متأثر از سه عامل بوده است.

(۱) توفیق سیاست ملی کنترل جمعیت؛

(۲) کند شدن آهنگ و سپس خاتمه یافتن دوره ساخت و ساز واحدهای صنعتی البرز؛

(۳) شکل‌گیری دو شهر جدید در محدوده «منطقه شهری صنعتی قزوین»: یکی اقبالیه و دیگری محمدیه که مجموعاً حدود ۶۰ هزار نفر را در خود جای داده‌اند.

هر چند در این دوره، شهر صنعتی البرز همچنان پایه اقتصادی و مایه اصلی تحولات الوند بوده است، اما، شهر شدن الوند در اواخر سال ۶۱ نقطه عطفی در دگرگونی آن بوده است چرا که سر آغاز نظارت رسمی و مدیریت شهری بر الوند شده است.

طی سال‌های ۶۵ تا ۷۵ تعداد ۱۴۷۶۱ نفر یعنی (۲۴/۲۹ درصد) به شهر الوند مهاجرت کرده‌اند [۲۰]. الگوی مهاجرت الوند در این دوره گویای سه نکته مهم است:

(۱) الوند طی این سال‌ها نیز از لحاظ اقتصادی، توان جذب جمعیت مهاجر را کماکان دارا

بوده است؛

(۲) آهنگ مهاجرت به الوند در مقایسه با سال‌های دوره اول خصوصاً فاصله ۵۷ تا ۶۲،

کاهش یافته است؛

(۳) الگوی مهاجرت به الوند از نظر پایگاه قومی و فرهنگی، کماکان حفظ شده ولی مبدأ و سهم قطب‌های عمده مهاجر فرست دگرگون شده است به این ترتیب که در سال ۶۵ استان زنجان با ۴۲/۱ درصد کل مهاجران و در سال ۷۵ استان تهران با ۶۳/۴ درصد در مرتبه نخست قرار گرفته است. لیکن استان‌های دیگر کما بیش روند گذشته خود را حفظ کرده‌اند. نتایج پرسشگری این پژوهش نیز نشان می‌دهد که ۲۱/۱۵ درصد ساکنان مهاجر الوند به علت داشتن اقوام و آشنایانی از پیش، به آنجا مهاجرت کرده‌اند، که حاکی از تداوم مهاجرت گروه‌های قومی - فرهنگی به الوند است. همچنین سهم روستاییان مهاجر در مقایسه با مهاجران با منشأ شهری به علت تغییر الگوی فعالیت شهر صنعتی در اثر کاهش دوره ساخت و ساز، کاسته شده است (جدول ۵).

## جدول ۵: علت انتخاب الوند برای سکونت

ردیف	علت انتخاب محل سکونت	تعداد پاسخگو	درصد
۱	پایین تر بودن قیمت مسکن نسبت به شهر قزوین	۴۰	۲۵/۳
۲	سکونت اقوام و خویشان در الوند	۳۵	۲۵/۱۵
۳	امکان اشتغال در شهر صنعتی و ...	۶۹	۴۳/۶۷
۴	امکان استفاده از خانه سازمانی	۸	۵
۵	سایر موارد	۶	۳/۷۹
	جمع	۱۵۸	۱۰۰

مأخذ: پرسشگری تحقیق حاضر، ۱۳۷۴

تغییرات بخش‌های عمده فعالیت و اشتغال نیز بر تثبیت روند فعالیت‌های اقتصادی الوند دلالت دارد. چنان‌که سهم شاغلان در بخش کشاورزی تقریباً حفظ شده، در صنعت نیز تغییرات محدودی روی نداده و از ۷۰ درصد در سال ۶۵ به ۷۱/۵۳ درصد در سال ۷۵ رسیده است. سهم شاغلان بخش خدمات نیز از ۲۱/۲۲ درصد در سال ۶۵ به ۲۲/۶ درصد در سال ۷۵ رسیده است. این تغییرات بر دو ویژگی اشاره دارد: یکی نقش پیشرو البرز به عنوان پایه اقتصادی الوند و دیگری ظهور نقش خدماتی الوند و رشد آرام آن در این سال‌ها. نتایج پرسشگری این پژوهش نیز نشان داده است که محل اشتغال ۷۲/۹ درصد از شاغلان الوند شهر صنعتی البرز بوده است و تعداد شاغلان بخش خصوصی صنعت حدود ۱۵۸۱ نفر بوده است که در مقایسه با سهم شاغلان در شهر صنعتی البرز رقمی تعیین کننده نیست. این امر نیز حاکی از بی‌رقیب بودن سهم و نقش اشتغال در شهر صنعتی البرز، توسط ساکنان الوند، طی سال‌های ۴۸ تا کنون است (جدول ۶).

## جدول ۶: محل اشتغال به کار شاغلان شهر الوند

ردیف	محل اشتغال	تعداد	درصد
۱	شهر الوند	۲۴	۱۵/۳
۲	شهر صنعتی الوند	۱۱۵	۷۲/۹
۳	شهر قزوین	۱۱	۶/۸
۴	سایر مناطق	۸	۵
۵	جمع	۱۵۸	۱۰۰

مأخذ: پرسشگری، پژوهش حاضر، ۱۳۷۴

چنان‌که پیشتر اشاره شد، نقش خدماتی الوند در سال‌های ۵۷ تا ۶۱ به اقتضای نیاز ساکنان و به صورت خود جوش آغاز شد، لیکن شهر شدن الوند این روند را تسریع و تا حدی تحت برنامه و در چارچوب الزام اداری و سیاسی در آورد و تعدادی از نهادها و سازمان‌های مرسوم و مناسب شهرهای کوچک اندام در الوند ایجاد شد. این امر در کنار رشد سریع جمعیت، و به ویژه سکونت جمعیت غیر شاغل در شهر صنعتی البرز، نقش خدماتی الوند را گسترش داد به طوری که در سال ۶۵ از مجموع ۷۸۷۶ نفر شاغل ۱۰ ساله و بیشتر شهر، ۱۵۸۰ نفر (۲۱/۲ درصد) در بخش خدمات

اشتغال داشته‌اند. از این میان ۸۴۰ نفر (۳/۵۰ درصد) در بخش دولتی شاغل بوده‌اند که حاکی از شکل‌گیری سازمان‌ها و نهادها و به طور کلی خدمات دولتی است و نیز حضور ۷۲ زن شاغل (۴/۸ درصد) نیز نشانه آغاز اشتغال زنان در عرصه تحولات اجتماعی در این سال‌ها بوده است.

در این دوره واحدهای گوناگون خدمات روزمره تجاری و پیشه‌وری گسترش‌نیافته داشته است به طوری که در حال حاضر حدود ۱۱۲ نوع شغل با فراوانی ۱۲۶۶ واحد تجاری و پیشه‌وری در شهر الوند وجود دارد [۲۱]. بدیهی است که این مقدار خدمات در الوند، تحولی چشم‌گیر است، لیکن تارسیدن به سرانه‌های پیشنهادی برای شهرهای کوچک کشور (۲/۵ شغل خدماتی در برابر یک شغل پایه‌ای) [۲۲]، فاصله زیادی دارد و آنچه در الوند به وجود آمده است حدود  $\frac{1}{3}$  سرانه‌ای است که باید باشد. وسعت شهر الوند طی سال‌های ۶۲ و ۷۵ افزایش بسیار سریعی یافته است (۷۴ درصد)، اما کاربری اراضی از لحاظ کمی و کیفی روندی رضایت‌بخش نداشته است. با نگاهی به سرانه برخی کاربری‌ها ضعف این روند از لحاظ کمی آشکارتر می‌شود. در سال ۶۲ سرانه‌های آموزشی  $\frac{1}{16}$  متر مربع، بهداشتی و درمانی  $\frac{1}{106}$  متر مربع، اداری  $\frac{1}{2}$  متر مربع، فرهنگی صفر و شبکه معابر  $\frac{7}{5}$  متر مربع بوده است. که در سال ۷۵ به ترتیب  $\frac{1}{98}$  متر مربع،  $\frac{1}{15}$  متر مربع،  $\frac{1}{3}$  متر مربع، و  $\frac{2}{16}$  متر مربع شده است. همگی این رقم‌ها با سرانه پیشنهادی جهت شهرهای کوچک، فاصله‌ای قابل توجه دارد (جدول ۳). الوند در سال ۶۲ با ۲۸۰۰ دانش‌آموز واجب‌التعلیم از نظر آموزشی فقط دو باب دبستان و یک باب مدرسه راهنمایی داشته است [۲۳]. این تعداد در سال ۷۵ به ۲۲۰۷۷ نفر دانش‌آموز رسیده که در ۲۲ باب مدرسه ابتدایی، ۱۷ باب مدرسه راهنمایی و ۹ باب دبیرستان به تحصیل اشتغال داشته‌اند و تعداد با سوادان ۶ ساله و بالاتر از ۱۸۲۸۷ نفر در صدم در سال ۶۵ به ۲۰۷۳۰ نفر (۱۱/۸۱ درصد) جمعیت در سال ۷۵ افزایش یافته است. از لحاظ خدمات بهداشتی و درمانی نیز بسیار محروم بوده است. به طوری که یک مرکز درمانی، یک درمانگاه خصوصی (تاسیس ۷۹)، اداره بهداشتی زیر نظر شبکه بهداشتی قزوین (تاسیس ۶۲) و یک کارگاه خصوصی دندان‌سازی (تاسیس ۱۳۶۰) داشته است. در این زمینه نیز به تازگی از میزان وابستگی الوند به خدمات شهر قزوین و دیگر مجتمع‌های زیستی منطقه، طی این دوره کاسته شده به طوری که امروزه به عنوان یک کانون فرعی خدماتی و تدارکاتی «در منطقه شهری - صنعتی قزوین» مطرح شده است. جدول ۴ نوع خدمات مورد نیاز شهروندان الوندی و محل تأمین آن را در سال ۱۳۷۴ معرفی می‌کند. چنان که جدول نشان می‌دهد، شهر الوند در اکثر زمینه‌ها پاسخگوی نیازهای ساکنان خود بوده است. اما در زمینه خدمات آموزشی به ویژه دبیرستان دخترانه و پسرانه و مدرسه راهنمایی به شهر صنعتی و در مرتبه بعد به شهر قزوین وابسته بوده است. جدول همچنین نشان می‌دهد که ساکنان الوند برای تأمین نیازهای خود اولویت اول را به شهر

الوند و اولویت دوم را به شهر صنعتی البرز می دهند و شهر قزوین نقش تعیین کننده‌ای در تأمین نیازهای روزمره و کوتاه مدت ساکنان شهر الوند ندارد.

### دگرگونی سازمان کالبدی - فضایی و پیامدهای تحول شهری

از دیدگاه تحولات کالبدی - فضایی مهم‌ترین رویداد این دوره ایجاد شهرداری در الوند است که سرآغاز گسترش برنامه‌ریزی شده این شهر بوده است. در این دوره وسعت الوند از ۱۸۵ هکتار در سال ۶۲ به حدود ۲۵۸ هکتار در سال ۷۵ رسیده است. کند شدن آهنگ رشد جمعیت و اجرای طرح توسعه شهر الوند طی این سال‌ها موجب شده تا بخش‌های نو گسترده شهر با انتظام شهری بیشتری پدید آید. بافت‌های جدید الوند عمدتاً زمین‌های واگذار شده به کارکنان واحدهای صنعتی و کارکنان ادارات دولتی و نهادهای انقلابی بوده است که اغلب طرح اولیه شهرسازی داشته و زیر نظارت شهرداری و شرکت‌های تعاونی مربوط، ساخته شده است. نتایج پرسشگری‌های این پژوهش نشان داد که علی‌رغم داشتن انتظام کالبدی - فضایی، بافت‌های جدید از لحاظ خدمات شهری بسیار فقیر هستند. چنین است که این قسمت از شهر اغلب از خانه‌های هم‌شکل برای کارگران کارخانه‌ها و ... ساخته شده و خدمات شهری به صورت سازمان یافته و متناسب با نیاز ساکنان در این محلات پدید نیامده است به طوری که غلبه کارکرد مسکونی، کمبود شدید انواع خدمات به ویژه خدمات تجاری و پیشه‌وری و نیز یکنواختی فضای کالبدی و بی روح بودن محیط شهری از مشخصات بارز بافت‌های نوگسترده و طراحی شده الوند است (نقشه یک). تا جایی که به موجب بررسی‌های مهندسی مشاور شامند در سال ۶۲، مجموع سطوح شهری مربوط به کاربری تجاری، مذهبی و بهداشتی در این بخش از الوند در حدود ۰/۶ درصد از کل سطوح ساخته شده بوده است که این رقم اندک نیز ساختمان مساجد، بیمارستان نوبنیاد و شرکت‌های تعاونی مصرف کارخانه‌ها را نیز در بر می‌گیرد و مغازه‌های خرده فروشی و خدمات کارگاهی توزیع شده در بافت محلات سهم ناچیزی از این مقدار دارند (جدول ۳). در این دوره شهر با ساختی «هسته ای - خطی» گسترش برنامه‌ریزی شده خود را از فرا سوی قلعه تاریخی و بافت خودروی مبانی به سمت شمال شرق - شمال و غرب الوند تجربه کرده است (نقشه ۱). به طور کلی دگرگونی‌های واقعی شهری الوند به ویژه در ابعاد کالبدی - فضایی و اجتماعی طی دوره سوم حیات آن صورت گرفته است. «نقش خوابگاهی» الوند به اتکای اشتغال ساکنانش در شهر صنعتی البرز کماکان پایه اصلی اقتصاد الوند بوده است ولی نقش خدماتی آن به طور فرعی و با رشدی آرام مطرح شده به نحوی که امروزه در سلسله مراتب سکونتگاهی شهرستان پس از قزوین مهم‌ترین مرکز جمعیتی - خدماتی است.

## نتیجه گیری

با توجه به مباحث انجام شده درباره سه دوره حیات الوند، یافته‌ها و نتایج زیر قابل توجه است:

۱- ایجاد شهر صنعتی البرز در اواسط دههٔ چهل، علت عمده و سرآغاز تحولات الوند طی حدود چهار دهه همزیستی آن‌ها بوده و همواره پایهٔ اقتصاد الوند متکی بر فرصت‌های اقتصادی ناشی از حضور شهر صنعتی البرز بوده است. هر چند در ایجاد شهر صنعتی البرز به موقعیت استثنایی روستای الوند در همجواری البرز، توجه نشده و هیچ طرح و برنامه‌ای برای توسعهٔ آن وجود نداشته است، لیکن ضرورت‌ها و اجبارهای اجتماعی - اقتصادی میان این دو، پیوندی «خود جوش» اما تنگاتنگ، معنی دار و قابل توجه به وجود آورده است. و البته بنیاد این پیوند بر این واقعیت است که شهر صنعتی البرز، به رغم داشتن طرح اولیهٔ نسبتاً کلاسیک یک شهر جدید صنعتی، از آغاز تا کنون، از نظر تأمین امکانات زیستی - رفاهی و خدماتی در چهارچوب برنامه و اهداف اعلام شدهٔ خود رشد نکرده است. لیکن در بعد تولیدی - صنعتی و در نتیجه ایجاد فرصت‌های شغلی به ظرفیت نهایی خود رسیده است. بنابراین برخی از کارکنان صنعت، الزاماً و خارج از هر قرار و قاعدهٔ از پیش تعیین شده‌ای، به فراخور توان اقتصادی و متناسب با فرهنگ زیستی خود برای دستیابی به سرپناهی و لو کوچک و نا مجهز، به الوند روی آورده‌اند.

۲- دگرگونی‌های الوند طی سال‌های ۴۶ تا ۶۱ در شرایط نبود چهار عامل تعیین کنندهٔ تحولات شهری سالم، یعنی «فرصت» یا «زمان»، «فرهنگ شهر نشینی»، «برنامه ریزی» و «مدیریت شهری» به وقوع پیوسته است. به این لحاظ دورهٔ اول و دوم حیات الوند «دورهٔ رشد خود انگیخته» یا «خودروی» این شهر بوده است.

۳- شهر شدن الوند در سال ۶۱ نقطهٔ عطف جدیدی در حیات این شهر بوده است. چرا که از یک سو سرآغاز اعمال برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و در نتیجه شهرنشینی برنامه‌ریزی شده و ایجاد انتظام کالبدی - فضایی در بافت‌های جدید مناطق نو گستردهٔ شهر بوده است و از سوی دیگر، ایجاد هویت شهری و تقویت نقش خدماتی الوند، با این همه، از آنجا که صورت بندی اجتماعی و کالبدی - فضایی شهر الوند را در پی داشته است. حاصل تعامل کنش متقابل عوامل و فرآیندهایی است که از سال‌های ۴۶ تا کنون حاکم و ناظر بر دگرگونی‌های این مجتمع زیستی بوده است؛ وجود تضادها، کاستی‌ها و مشکلات شهری بر آمده و انتقال یافته از دوره‌های اول و دوم در نظام عملکردی و کالبدی - فضایی و به طور کلی حیات شهری الوند، در حال حاضر اجتناب ناپذیر شده است.

۴- کارکرد اصلی شهر الوند طی سال‌های مورد بحث «خوابگاهی» و عمدتاً در خدمت کارکنان شهر صنعتی البرز بوده است. نقش خدماتی آن در دوره نخست، (بین سال‌های ۴۶ تا ۵۷) به آرامی و حسب حال ساکنان و به صورت «خودجوش» در حد ابتدایی پدید آمد، لیکن با شهر

شدن الوند در سال ۶۱ و گسترش برخی خدمات دولتی و غیره به عنوان نقش دوم شهر مطرح شده است. به طوری که الوند با تشکیل حوزه نفوذ روستایی، درجه‌ای از مرکزیت منطقه‌ای را کسب کرده و اینک پس از شهر قزوین در مرتبه دوم سلسله مراتب سکونتگاهی شهرستان قرار دارد.

۵- ظهور شهر الوند با ویژگی‌ها و مسائل کنونی‌اش، متأثر از استعدادهای و فرآیندهای طبیعی، تاریخی و زیست محیطی آن نبوده، بلکه حاصل صنعتی شدن قزوین و به طور خاص متأثر از حضور شهر صنعتی البرز در جوار الوند بوده است. به طوری که شناخت ماهیت و دگرگونی‌های الوند، بدون شناخت همه جانبه البرز، اگر غیر ممکن نباشد، بسیار دشوار است.

در مورد این که چرا الوند با ماهیت یک شهر متعارف (سنتی یا جدید) شکل نگرفته و کدام علل و عوامل بنیادی، ساز و کار حاکم بر تحولات الوند را تعیین و جهت داده‌اند، پژوهش حاضر به این نتیجه رسیده است که: فهم ماهیت، ویژگی‌ها، و مشکلات کنونی الوند منوط به شناخت همه جانبه شهر صنعتی البرز و سرانجام در گرو درک شرایط و زمینه‌های عامی است که طی دهه چهل و پنجاه بر فرهنگ شهرسازی و به ویژه نوشهرسازی در ایران، حاکم بوده است. توضیح این که، شهر صنعتی البرز در برهه‌ای از تاریخ سازمان‌دهی سرزمین ایران پدید آمده است که «نگرش بخشی» بر نظام برنامه ریزی حاکم بوده است و چارچوب جامع علمی و نهادینه شده‌ای برای ایجاد شهرهای جدید، از جمله نوشهرهای صنعتی، فراهم نبوده است.

برنامه ریزی منطقه‌ای در مفهوم درست آن بسیار ضعیف، و نظام برنامه‌ریزی ملی - منطقه‌ای در دست دولت متمرکز بوده و بخش خصوصی تجربه‌ای قابل ذکر در سازمان‌دهی سرزمین نداشته است. در کنار این شرایط فراگیر و تعیین کننده، شهر صنعتی البرز فلسفه وجودی خود را در مرحله نخست در تقسیم کار با پایتخت و به منظور تمرکز زدایی صنعتی از تهران یافته است و بخش خصوصی مالکیت صنایع و مدیریت اجرایی شهر صنعتی البرز را بر عهده داشته است و عدم تمایل خود را به سرمایه گذاری لازم در زمینه تأمین نیازهای زیستی و رفاهی - خدماتی کارکنان صنایع با ۵ سال تأخیر و در خانه سازی محدود خود (به جای شهرسازی)، عملاً نشان داده است. بدین ترتیب آن شرایط فراگیر و این شیوه نگرش و برخورد، جملگی زمینه‌ای را فراهم آورده‌اند که شهر صنعتی البرز حتی با داشتن طرح نسبتاً کلاسیک شهرسازی و با گذشت بیش از سه دهه از تأسیس آن، امروز در حد یک «شهر صنعتی اقماری ناقص» ظاهر شده است.

این وضع از دو جهت بر دگرگونی‌های الوند تأثیر گذارده است: یکی تشدید مناسبات میان البرز و الوند در جهت تأمین نیازهای سکونتی و تدارکاتی - رفاهی کارکنان صنایع و دیگری با اعمال و تعمیم سنت حاکم و در نتیجه بی‌توجهی و غفلت از استعدادهای الوند به عنوان یک شهر جدید. توضیح این که، الوند نیز در چارچوب شرایط و محدودیت‌ها و نگرش ناظر بر ایجاد البرز و در شرایط نبود سیاست و برنامه‌ریزی روشنی برای «شهری شدن حومه‌ها و نقاط روستایی مجاور

شهر» در معرض تحولات صنعتی سریع قرار گرفته است. اسناد و مدارک و شواهد موجود همه حاکی از آن است که در طرح اولیه شهر صنعتی البرز در دههٔ چهل، هستهٔ روستایی الوند به هیچ وجه مورد توجه نبوده و جایگاهی در توسعه شهر البرز نداشته است. از این رو، روستای الوند که در صورت وجود طرحی مناسب، استعداد آن را داشت که در پیوند با شهر صنعتی البرز به عنوان یک «هستهٔ شهری جدید» و یا یک «مجمع شهری اقماری» در محدودهٔ «منطقهٔ شهری صنعتی قزوین» شکل گیرد؛ در اثر غفلت، بی توجهی و یا تجاهل برنامه‌ریزان و مدیران شهر صنعتی البرز و نیز مدیران عالی‌رتبهٔ وقت شهر قزوین، اینک با از سر گذراندن حدود چهار دهه دگرگونی و همزیستی با شهر صنعتی البرز، در حد یک «کانون زیستی خودرو یا خود انگیخته»، ظاهر شده است.

کانونی که نه ویژگی‌های متعارف یک شهر جدید را دارد نه مشخصات یک روستا - شهر معمول و نه حتی یک کانون حاشیه‌ای در مفهوم کلاسیک آن است؛ بلکه ویژگی‌ها و نشانه‌هایی از هر سه را در خود دارد. بنابراین می‌توان گفت که ضعف نظام برنامه‌ریزی شهری - منطقه‌ای، و خامی فرهنگ و اندیشهٔ شهرسازی به ویژه نوشهرسازی در ایران و نیز مدیریت بخش خصوصی با تمایلات منفعت خواهانهٔ خود بر شهر صنعتی البرز، سه عامل بنیادی است که مستقیم و غیر مستقیم بر تحولات الوند با شاکله و شخصیت کنونی تأثیر داشته‌اند.

۶- سرانجام، پژوهش حاضر به این نتیجه رسیده است که گسترش ناگهانی الوند، و پیدایش دو شهر جدید و پر رشد محمدیه و اقبالیه ظرف سالهای ۶۵ تا ۷۵، حاکی از قطبی شدن هر چه بیشتر شهر قزوین است و به نظر می‌رسد این فرآیند در زمانی نه چندان طولانی، «منطقه شهری - قزوین» را شکل خواهد داد. با توجه به پیوندهای همه جانبه میان البرز و الوند و جایگاه این مجموعه در شهرستان و استان؛ اهمیت این کانون در پیوندهای منطقه‌ای‌اش، بیش از پیش قابل توجه است. گذشتهٔ این مجموعه می‌طلبد تا در پرتو نگرشی جدید و جامع و با عبرت از گذشته و با درک آیندهٔ «منطقه شهری - صنعتی قزوین»، هر چند با حفظ پاره‌ای تمایزهای لازم، البرز و الوند به عنوان یک «مجموعهٔ صنعتی - شهری» سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی و تجهیز شود.

البته، دستیابی به این مهم محتاج تجدید نظر در دیدگاهی است که الوند را در حد یک «روستا - شهر» و یا حداکثر یک «شهر کوچک» و بریده از پیوندهای تاریخی واقعی آن با شهر صنعتی البرز، تعریف می‌کند و به حساب می‌آورد.

شکی نیست که حضور این نگرش بر الوند تداوم بخش مشکلات کنونی و سرآغاز مسائل و مشکلات جدیدی برای فردای این شهر و در ماهیت از سنخ غفلت یا تجاهل دههٔ چهل خواهد بود که در لباسی جدید آشکار شده باشد.

## پی‌نوشت‌ها و مآخذ

- ۱- برای اطلاع جامعی از فلسفه ایجاد و سیر تحول شهرهای جدید صنعتی به منبع زیر رجوع شود:  
Galantay y. Ervin: *New towns: Antiquity to the Present*, 1956, NEW YORK, P.P. 38-51.
- ۲- ر. ک. محمد سلیمانی، «صنعتگرایی و تحولات شهرنشینی از اک؛ ۱۳۷۲»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۶۷ تا ۶۲.
- ۳- برای دیدن یک طبقه بندی در مورد مجتمع های صنعتی به منبع زیر رجوع کنید: ر. ک. مطالعات طرح آمایش سرزمین اسلامی ایران؛ استراتژی توسعه و سازمان دهی فضایی کشور: جلد دوم، «فعالیت‌ها»، دفتر برنامه ریزی منطقه ای، ۱۳۶۴، صص ۲۶۴-۶ تا ۲۶۷-۶.
- ۴- برای درک محدودیت‌ها و تفاوت‌هایی که کشورهای مختلف در جذب و به کار گیری الگوهای مختلف شهرهای جدید داشته اند، ر. ک. پیر مولن: «نوشهرها»، ترجمه دکتر رضا قیصریه، تهران، قضا، ۱۳۶۵.
- ۵- برای اطلاع از تاریخچه شهر صنعتی البرز و دوره های گسترش صنایع آن، ر. ک. مهندسین مشاور طرح و تعاون: طرح جامع شهر صنعتی البرز، جلد اول، ۱۳۶۲، صص ۳۵ - ۵۶.
- ۶- مهندسین مشاور منطقه، «طرح شهرک باورس»، ۱۳۵۵، ص ۹.
- ۷- همان مآخذ. ص ۵۰.
- ۸- این قوانین طی سال‌های ۴۵ تا ۵۷ در مورد کل شهرهای ایران وضع شده است. برای اطلاع از آن، ر. ک. فرج ... قربانی: مجموعه کامل قوانین و مقررات شهرداری و خدمات عمومی، ۱۳۷۲، صفحات ۸۰۵ تا ۸۰۸.
- ۹- مهندسین مشاور شارمند: خلاصه گزارش طرح جامع شهر قزوین، ۱۳۴۶، ص ۳.
- ۱۰- مهندسین مشاور شارمند: طرح توسعه الوند، ۱۳۶۲، جلد اول، ص ۱۳۴.
- ۱۱- دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی: طرح مطالعاتی الوند نو، ۱۳۵۸، ص ۶۲. در طرح پژوهشی «اثرات شهر صنعتی البرز بر تحولات الوند»، که در سال ۷۵-۷۴ با مسئولیت و توسط نگارنده مقاله حاضر، در معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم اجرا شده است، نام‌ها و فراوانی این واحدها به طور دسته‌بندی شده، آمده است.
- ۱۲- با استفاده از صورت جلسات هیات امانا شرکت شهر صنعتی البرز در سال ۱۳۵۸ موجود در دفتر شرکت در قزوین.
- ۱۳- حدود ۷ هزار نفر از این تعداد، کارکنان شهر صنعتی البرز هستند که در مجتمع‌های مسکونی ایجاد شده در بافت جدید الوند در شمال و شمال غرب این شهر، سکونت داده شده‌اند.
- ۱۴- مهندسین مشاور شارمند: طرح توسعه الوند، جلد اول، ۱۳۶۲، ص ۲۳۸.
- ۱۵- مهندسین مشاور طرح تعاون، همان، ص ۵۱.
- ۱۶- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان قزوین، ۱۳۷۵، جدول ۴۹.
- ۱۷- مهندسین مشاور طرح و تعاون، همان، صفحه ۱۵۱.
- ۱۸- مهندسین مشاور شارمند: طرح توسعه شهر الوند، ۱۳۶۲، جلد اول، صفحه ۱۳۴.
- ۱۹- مهندسین مشاور منطقه: طرح شهرک باورس، احمد عظیمی، ۱۳۵۵، صفحه ۱۰.
- ۲۰- ر. ک. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان قزوین و شهر الوند، ۱۳۶۱ و ۱۳۷۵.
- ۲۱- آمار از دفتر شهرسازی و امور کسبه شهرداری الوند اخذ شده است.
- ۲۲- مهندسین مشاور شارمند: طرح توسعه الوند، جلد اول، ۱۳۶۲، صفحه ۱.
- ۲۳- همان مآخذ، صفحه ۳-۲۴۲.